



## جایگاه جنگ‌های نیابتی در رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در سوریه

مجید نصیری<sup>۱</sup>

رحمت حاجی مینه<sup>۲</sup>

نودر شفیعی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۰۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

### چکیده

هدف: این مقاله سعی دارد به این پرسش اساسی پاسخ دهد که جایگاه جنگ‌های نیابتی در رقابت‌های منطقه‌ای بین ایران و عربستان سعودی در سوریه چگونه است؟ در این رابطه به بررسی مهم‌ترین گروه‌های نیابتی ایران و عربستان و رویکردهای این دو کشور در قبال بحران سوریه خواهیم پرداخت. روش: ابزار جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و استفاده از وبسایت‌های ایرانی و خارجی می‌باشد. مطالب جمع‌آوری شده به صورت توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، با یکدیگر نیز مقایسه می‌شوند. این مقاله بررسی هدفمند رفتارهای نیروهای نیابتی ایران و با روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. چارچوب نظری، در این مقاله بررسی رقابت بین ایران و عربستان با تمرکز بر جنگ نیابتی و با تأکید بر نظریه واقع‌گرایی می‌باشد. یافته: ایران و عربستان با شروع بحران سوریه سعی در محدود کردن دامنه نفوذ یکدیگر داشته‌اند، رقابت و اختلاف نظر آن‌ها در مسئله سوریه بود. فرضیه مقاله این است که جنگ‌های نیابتی بین ایران و عربستان سعودی در بستر تشدید فزاینده رقابت بین دو بازیگر در سوریه، رویارویی مستقیم آن‌ها را کاهش داده است. نتیجه: این تحقیق با رویکردی واقع‌گرایی و بررسی روابط دو کشور به رغم تفاوت‌هایی که از نظر ماهیت بین سیاست خارجی و منطقه‌ای عربستان سعودی و ایران وجود دارد؛ بروز جنگ‌های نیابتی از وقوع جنگ و درگیری مستقیم بین آن‌ها جلوگیری کرده است.

### کلمات کلیدی

جنگ نیابتی، جمهوری اسلامی ایران، سوریه، عربستان سعودی، رقابت منطقه‌ای

۱- دانشجوی دکتری، گروه بین‌الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. majidnasiritehran@gmail.com  
۲- استادیار، گروه ارتباطات و علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) r.hajimineh@gmail.com  
۳- دانشیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. drshafiee94@yahoo.com

در ابتدای این مقاله لازم است به جمله‌ای از ریمون آرون اشاره نماییم «مرد عمل کسی است که در یک وضعیت منحصربه‌فرد، موضوع جدیدی را در رابطه با ارزش‌های خود انتخاب و با قاطعیت به مرحله اجرا گذارد» (آرون، ریمون، ۱۳۷۰: ۳)

ایران و عربستان دو کشور بااهمیتی استراتژیک در حوزه سرزمینی خاورمیانه و به‌طور اخص خلیج فارس هستند و این دو همواره روابطی همراه با فرازوفرودهای زیادی را در تاریخ تحولات خود پشت سر گذاشته‌اند. ایران و عربستان با توجه به موقعیت جغرافیایی مهمی که دارند بزرگ‌ترین بازیگران منطقه‌ای در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس هستند که به‌نوعی باهم رقابت منطقه‌ای نیز دارند. زمانی که انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷ رخ داد این روابط وارد مرحله تازه‌ای شد و حالت پرتنش به خود می‌گیرد. هرچند در برخی از زمان‌ها بعد از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ شاهد توسعه روابط و حتی تنش‌زدایی میان این دو کشور هستیم؛ اما همواره درصدی از این رقابت و دشمنی بین این دو کشور بوده است.

هم‌اکنون نیز روابط میان این دو کشور به‌شدت تنش‌آمیز است و در برخی از مناطق مانند سوریه، بحرین، یمن و عراق به درگیری غیرمستقیم (نیابتی) منجر شده است. این روابط دارای خصوصیات مختلف از جهت‌های ایدئولوژیک، استراتژیک و ژئوپلیتیک است و تأثیر هر یک از این ویژگی‌ها در اختلاف‌های میان این دو کشور را نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. در این مقاله ابتدا به پیشینه رقابت این دو کشور و محورهای برخورد کنونی آن‌ها در سطح منطقه غرب آسیا (سوریه) پرداخته شده است و سپس به نقش و رویکرد این دو کشور و گروه‌های نیابتی آن‌ها در سوریه خواهیم پرداخت.

زمانی که طالبان در افغانستان و صدام در عراق بعد از حمله آمریکا به دنبال حوادث یازده سپتامبر، سقوط کردند. جمهوری اسلامی ایران در این دو کشور موازنه قدرت منطقه‌ای را به ضرر عربستان و دیگر کشورهای عرب منطقه دگرگون کرده است؛ بنابراین، عربستان و کشورهای عربی دیگر، تصمیم گرفتند با این شرایط مقابله نمایند و با طرح مسائلی مانند هلال شیعی نشان دادند که به هر صورت از شرایط به وجود آمده پس از یازده سپتامبر خشنود نیستند و بنابراین تنها راه، در رویکرد حضور فعال در منطقه برای تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای و عبور از سیاست قدیمی خود می‌دانستند. بحران داخلی سوریه نشان داد که اختلاف و تنش در روابط تهران و ریاض به‌شدت گسترش یافته است. تحولات در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در سال‌های گذشته مانند افزایش نقش مثبت جمهوری اسلامی ایران در بحران‌های عراق، سوریه و یمن و از طرف دیگر موافقت‌نامه هسته‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و

## جایگاه جنگ‌های نیابتی در رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران.../نصیری، حاجی مینه و شفیعی

غربی‌ها (برجام) باعث افزایش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران گردید و موجب ناراحتی رقیب منطقه‌ای یعنی عربستان سعودی شد. با توجه به فضای جدیدی که بر منطقه خاورمیانه حاکم است، عربستان هرگونه افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه را به زیان خود می‌دید و در راستای بازی با حاصل جمع صفر درصدد مقابله با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

### **اهمیت و ضرورت تحقیق**

اهمیت: این تحقیق به دنبال آن است تا زمینه‌های رقابت جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در منطقه مهم و استراتژیک خاورمیانه را در قالب جنگ‌های نیابتی دو کشور مورد بررسی قرار دهد. با توجه به اهمیت مسئله و اینکه دو کشور هیچ‌کدام تمایلی جهت درگیری مستقیم و رودررو با یکدیگر ندارند و ترجیح می‌دهند در فضای ژئوپلیتیک بیرونی خود بازی را انجام دهند و از کشیده شدن اختلاف‌ها به ژئوپلیتیک درونی خود پرهیز می‌کنند و نتایجی که از این پژوهش به دست آمد صحت این مطلب را مورد تأکید قرارداد و ضمن آشنایی مختصری با گروه‌های نیابتی این دو کشور، راهکارهای این دو کشور در تقابل باهم مورد بررسی قرار گرفته است.

ضرورت: اگرچه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک باهم درگیری و رقابت دارند اما مهم‌ترین حوزه مورد مناقشه آن‌ها حوزه ایدئولوژیک بین دو کشور شیعه و سنی مهم منطقه غرب آسیا می‌باشد، حال اگر این رقابت‌ها به نحو صحیحی کنترل و مدیریت نشود می‌تواند به یک جریان تندرو و بنیادگرایی مذهبی چه به شکل سنی یا شیعه آن منجر شود که مهار آن‌ها از کنترل دو کشور خارج خواهد بود.

### **پیشینه تحقیق**

۱- مقاله بررسی تقابل ایران و عربستان در منطقه بر اساس نظریه جنگ نیابتی نگارندگان: الهام رسولی ثانی‌آبادی و مجتبی روستایی، سال چاپ ۱۳۹۵، سؤال اساسی مقاله درصدد پاسخ دادن به آن بوده است که عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران از چه راهی درصدد مقابله با اهداف و منافع یکدیگر در منطقه می‌باشند؟ عربستان سعودی با حمایت از گروه‌ها و دولت‌های هم‌پیمان خود تلاش کرده است تا نفوذ جمهوری اسلامی ایران را در کشورهای منطقه از بین ببرد. در این تحقیق به مفهوم جنگ نیابتی و پیشینه روابط ایران و عربستان، مؤلفه‌های تعارض در روابط ایران و عربستان مثل ماهیت ایدئولوژیک، ماهیت ساختاری و حوزه نفت و رقابت‌های منطقه‌ای پرداخته است.

۲- مقاله جنگ نیابتی ایران و عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا: مطالعه موردی بحران سوریه،

## فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۵، پائیز ۱۴۰۳

نویسنده علیرضا علیپور، سال انتشار ۱۳۹۷، به دنبال پاسخ به این پرسش بوده است که آیا رقابت جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در بحران سوریه در قالب جنگ‌های نیابتی قابل تبیین است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که دولت جمهوری اسلامی ایران (حامی) سعی کرده است با حمایت از دولت سوریه (نائب) مجرای کمک به حزب‌الله لبنان را حفظ کرده و موقعیت و نفوذ خود را در منطقه سوریه افزایش دهد در مقابل عربستان سعودی درصدد است با سقوط رژیم اسد و قطع راه‌های مواصلاتی کمک ایران به حزب‌الله از طریق حمایت از گروه‌های مخالف نظام اسد (نائب) منجر به کاهش نفوذ ایران در این منطقه شود و موازنه قدرت را به نفع خویش تغییر دهد. مدل ترکیبی جنگ نیابتی دانرز، هیوز و مامفورد<sup>۱</sup> را هم مورد بررسی قرار داده است.

۳- مقاله سناریوهای جنگ محتمل علیه جمهوری اسلامی ایران (مورد مطالعه، سناریو جنگ نیابتی غیردولتی) علی فرهادی و عزیز نصیرزاده، سال انتشار ۱۳۹۷، از همین رو، هدف اصلی تحقیق حاضر شناسایی عوامل کلیدی و پیشران‌های جنگ نیابتی غیردولتی و تبیین سناریو این جنگ می‌باشد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش جزء پژوهش‌های اکتشافی آینده‌پژوهانه است که به روش سناریونویسی انجام شده است. سناریونویسی انجام نتایج تحقیق حاکی از آن است که به دلیل هزینه بالای جنگ مستقیم، تلفات انسانی، مسائل اقتصادی و عدم اقبال افکار عمومی، آمریکا تمایلی به ورود مستقیم در جنگ را نداشته و با استفاده از زمینه‌های اختلافی موجود و یا ساختگی، به تحریک و تهییج کشورها و یا گروه‌های قومی مذهبی برای جنگ با جمهوری اسلامی ایران پرداخته و حمایت‌های مالی و اقتصادی، سیاسی و نظامی را از آن‌ها به عمل می‌آورد تا به اهداف خود برسد.

۴- مقاله میزان سنجی تأثیر عنصر رقابت بر جنگ‌های نیابتی ایران و عربستان، نویسنده ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله، سال انتشار ۱۳۹۴، پرسش اصلی مقاله این است که رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان چه تأثیری بر جنگ‌های نیابتی دو کشور داشته است؟ فرازوفرودهای روابط دو کشور در حوزه‌های مختلف بررسی شده است. در پاسخ مطرح است که رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی در حوزه‌های ایدئولوژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک سبب بروز جنگ‌های نیابتی میان دو کشور شده است.

۵- مقاله تحول در جنگ‌های نیابتی در دوران پسا جنگ سرد نویسنده حمیرا مشیرزاده سال انتشار ۱۳۹۷ استدلال اصلی این مقاله که هم خودجنگ و هم تغییراتی که در آن پدیده پس از جنگ سرد شکل گرفته، زمینه را برای ظهور تغییرات مفهومی و نظری در رشته روابط بین‌الملل فراهم کرده است.

### **چارچوب نظری، جنگ‌های نیابتی با تأکید بر واقع‌گرایی**

جنگ‌های نیابتی در این مقاله با توجه نظریه واقع‌گرایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. جنگ نیابتی به

## جایگاه جنگ‌های نیابتی در رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران.../نصیری، حاجی مینه و شفيعی

جنگ‌هایی اطلاق می‌شود که قدرت‌های بزرگ در سرزمینی غیر از سرزمین اصلی خود با یکدیگر انجام می‌دهند. معمولاً سرزمین‌های کوچک‌تر و ضعیف‌تر به‌عنوان زمین این بازی می‌باشند. از جنگ سرد به‌عنوان نمونه‌ای از جنگ نیابتی نام‌برده می‌شود.

جنگ نیابتی، گروهی از مفاهیم جدید را با خود به رشته روابط بین‌الملل وارد کرده است که نگاه قدیمی به جنگ و روابط بین‌الملل را دگرگون می‌کند. جنگ‌های نیابتی، چالشی را در برابر جریان اصلی نظری در روابط بین‌الملل و به‌ویژه واقع‌گرایی و نولیبرالیسم داشته است. آنچه در جنگ نیابتی قابل‌مشاهده است، توجه به کنشگرانی است که نه تنها دولت‌های کوچک‌تر، بلکه بازیگران غیردولتی را در برمی‌گیرد (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۳۲-۳۳، ۳۵-۳۷، ۶۰، ۲۰۹ و ۲۳۶).

در کنار دولت‌های بزرگ و اصلی، بازیگران غیردولتی نیز نقش حمایت‌کننده جنگ‌های نیابتی را دارند. نقش‌آفرینی این گروه‌ها برعکس دولت‌ها که انگیزه‌های بزرگ‌تر راهبردی و ژئوپلیتیک دارند، مبتنی بر احساسات مذهبی، پیوندهای قومی و نگرش ایدئولوژیک می‌باشد. (بیمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ص ۱۴)

روابط میان بازیگران در جنگ‌های نیابتی، رشته روابط بین‌الملل را به سمت پیچیدگی‌هایی جهت داده است. در جنگ‌های نیابتی، بازیگران منطقه‌ای دولتی و بازیگران نظامی غیردولتی، الگوی روابط چند سطحی را به عرصه نمایش گذاشته که این روابط حاصلی جز تنوع و پیچیدگی‌های جدید به همراه نداشته است.

بنابراین فرارفتن از مفهوم دولت‌محوری و جلوگیری از تأکید بر قدرت‌های بزرگ از خصوصیات جنگ‌های نیابتی می‌باشد که توجه به بازیگران مختلف شامل دولتی و غیردولتی می‌شود. از یک‌طرف قدرت‌های بزرگ جهانی و از طرف دیگر قدرت‌های منطقه‌ای به‌عنوان بازیگران دولتی موردنظر هستند و از طرفی گروهی از کنشگران مانند جنبش‌های اجتماعی، گروه‌های قومی، مذهبی و حتی شرکت‌های چندملیتی و... به‌عنوان بازیگران غیردولتی در مورد جنگ‌های نیابتی موردتوجه قرار می‌گیرند و به این معنی است که جنگ‌های نیابتی پارادایم دولت‌محور سنتی روابط بین‌الملل را مورد چالش و سؤال قرار می‌دهند.

جنگ نیابتی<sup>۳</sup> که در آن یک بازیگر یا یک‌طرف بنا به درخواست بازیگر یا طرف دیگری که در جنگ حضور ندارد وارد درگیری می‌شود (بارسیمون - تاو ۱۹۸۴: ۴، ص ۲۷۲) یکی از مهم‌ترین انواع جنگ‌های جدید و نوین به حساب می‌آید.

پدیده جنگ نیابتی در این مقاله بر اساس رهیافت قدرت محور موردبررسی قرار می‌گیرد. در این رهیافت که بیشتر به نظریه واقع‌گرایی نزدیک است، تأکید بر قدرت دولت‌ها در ایجاد جنگ‌های

### فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۵، پائیز ۱۴۰۳

نیابتی بر اساس قدرت مادی دارد. در این رویکرد صرفاً نظامی-امنیتی، مهم‌ترین محور بیشتر متوجه قدرت دولت حامی است. به نظرمی رسد نقش بازیگرانی که جنگ به آن‌ها محول شده، در حاشیه می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵).

باید در نظر داشت که واقع‌گرایی یکی از قدیمی‌ترین رهیافت‌های نظری روابط بین‌الملل است و به‌صورت زیادی به‌صورت یک جهان‌بینی<sup>۵</sup> می‌باشد واقع‌گرایی به‌عنوان سیاست قدرت مورد توجه است و تأکید آن بر کسب، حفظ و اعمال قدرت از سوی دولت‌ها می‌باشد (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۵، ص ۸۷). ساختار نظری واقع‌گرایی با تکیه بر بعد نظامی امنیت، دعوت به افزایش همیشگی قدرت نظامی، ماهیت آنارشیک (نبودن قدرت مرکزی) نظام بین‌الملل و معمای امنیت می‌تواند زمینه مناسبی را جهت بررسی رویارویی عربستان و جمهوری اسلامی ایران در مورد بحران سوریه باشد. واقع‌گرایی با تأکید بر شرایط آنارشی در نظام بین‌المللی، اعتقاد دارد که آنارشی، باعث می‌شود بین دولت‌ها رقابت همیشگی قدرت وجود داشته باشد.

بعضی از واقع‌گرایان معتقدند که آنارشی دولت‌ها را مجبور می‌کند تا نفوذ نسبی یا قدرت خود را به بیشترین حد ممکن برسانند. دولت‌ها تلاش می‌کنند با زیاد کردن قدرت و نفوذ خود، امنیت خویش را افزایش دهند؛ بنابراین از نظر واقع‌گرایان، مفهوم آنارشی بین‌المللی خیلی مهم است؛ بنابراین زمانی که دولت‌ها کوشش برای به دست آوردن امنیت دارند ممکن است به درگیری با دیگران منجر شود و چون به دست آوردن قدرت یک دولت به معنای از دست رفتن قدرت دیگری است، افزایش قدرت، دولت‌ها را وادار به بازی با حاصل جمع صفر می‌کند که نتیجه چنین بازی، تنش و تقابل خواهد بود (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

اندیشمندان واقع‌گرایی اعتقاد دارند، دولت‌های تجدیدنظر سعی در به دست آوردن جایگاه هژمونیک در نظام بین‌الملل دارند؛ بنابراین، چنین دولت‌هایی همیشه به دنبال کسب قدرت هستند و اگر شرایط را مناسب ببینند، خواستار آن هستند تا پراکندگی قدرت را به سود خود دگرگون کنند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۲).

جان مرشایمر<sup>۶</sup> درجایی عنوان می‌کند: دلیل اصلی دولت‌ها که به دنبال قدرت و افزایش قدرت نظامی هستند را در سه چیز می‌داند: ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل (نبودن قدرت مرکزی)، توانایی‌های تهاجمی که همه دولت‌ها از آن بهره‌مند هستند و نبودن اطمینان در مورد نیت و انگیزه‌های دشمن، از دید یک واقع‌گرا هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی زیاد کند که این به معنای به دست آوردن قدرت به ضرر دیگر بازیگران است (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

## جایگاه جنگ‌های نیابتی در رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران.../نصیری، حاجی مینه و شفیعی

رویکرد عربستان در ارتباط با بحران سوریه را می‌توان با توجه به نظریه واقع‌گرایی به‌آسانی توضیح داد؛ بنابراین نظریه، عربستان سعودی با توجه به فضای آنارشی حاکم بر منطقه غرب آسیا، به دنبال افزایش قدرت نسبی خود است و در این میان، کوشش می‌نماید تا قدرت رقیب اصلی خود (جمهوری اسلامی ایران) را کاهش دهد.

عربستان خود را قدرت برتر در منطقه غرب آسیا می‌داند و همواره این برتری از سوی ایران مورد پرسش و سؤال است؛ بنابر نظریه واقع‌گرایی، همیشه این کنشگران انگیزه تسلط بر هم را دارند. از این‌رو این کشور همواره خود را در یک رقابت دائمی منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران می‌داند که رابطه دو کشور فاقد هرگونه اطمینان و اعتماد بین آن‌ها است.

### **پیشینه رقابت و ورود ایران و عربستان سعودی در بحران سوریه**

رابطه ایران و عربستان به‌عنوان مهم‌ترین کشورهای تولیدکننده نفت در غرب آسیا، بعد از انقلاب ۱۳۵۷ همواره دچار فراز و فرودهایی بوده و دوره‌های تلخ و شیرین را پشت سر گذاشته است. به‌طوری‌که روابط دو کشور همواره مهیای رقابت و تنش بوده است. بر این اساس رابطه میان ایران و عربستان بر قاعده بازی با حاصل جمع صفر مبتنی بوده و تنش، ستیز و اختلاف را در روابط دو کشور ایجاد می‌نماید که برای دسترسی به سرزمین، منابع، سلاح و نفوذ در منطقه، با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. عربستان سعودی رویکرد سیاست خارجی خود را بر پایه سیاست سد نفوذ و مهار جمهوری اسلامی ایران قرار داده است.

در ادامه انقلاب‌های بهار عربی به سوریه، یکی از تظاهرات ابتدایی مردم در این کشور در تاریخ ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ و هنگامی شروع شد که یک فردی به‌ظاهر پلیس به مردی در خیابان الحرکه، در دمشق قدیم حمله و او را دستگیر کرد در نتیجه این عمل اعتراض‌کنندگان خواستار آزادی فرد دستگیر شده گردیدند و خیلی زود «روز خشم»<sup>۷</sup> در ۴ و ۵ فوریه برگزار شد، اما این تظاهرات بدون حادثه بود. با شدت گرفتن تحولات سوریه، بازیگران منطقه‌ای به اتخاذ روشی مناسب با منافع ملی خود بودند که رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران و عربستان بیشتر نمود عینی داشته است.

نقطه شروع بحران سوریه، سال ۲۰۱۱ و انجام راهپیمایی به شکل اساسی در مناطق حاشیه‌ای، پیرامونی و شهرهای کوچک سوریه برای مبارزه با فساد طبقه حاکم، انجام اصلاحات و کسب آزادی بوده است. مردم سوریه با الهام گرفتن از دیگر انقلاب‌ها، خیلی دیرتر از سایر کشورهای عرب به خیابان‌ها آمدند و اصلاح و تغییر وضع موجود را خواستار شدند؛ اگرچه اعتراض مردم به دنبال مجبور

### فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۵، پائیز ۱۴۰۳

کردن اسد به اصلاحات در حال رسیدن به نتایج خوبی بود، اما ورود سپاه قدس و... باعث شد برخی از مخالفین دست به اسلحه برده و اعتراضات به مرحله خونینی برسد (آجرلو، ۱۳۹۰: ۵۹).

در فوریه ۲۰۱۱، قیام مردم سوریه با این شعار آغاز شد که «مردم سوریه را تحقیر نکنید». یک ماه بعد، هزاران نفر از مردم در شهر جنوبی درعا به خیابان‌ها آمده و خواستار عدالت و آزادی شدند. پس از تظاهرات درعا، مردم حُمص<sup>۸</sup> و سایر شهرهای سوریه به اعتراض‌کننده‌ها پیوستند و برعلیه رژیم بشار اسد قیام کردند. لازم به یادآوری است که این اعتراض‌ها در ابتدا کمتر ماهیت سیاسی داشت و عوامل اقتصادی اجتماعی نقش مهم‌تر بازی می‌کردند (دباز،<sup>۹</sup> ۲۰۱۲: ص ۱۰).

اما مردم سوریه پس از سرکوب شدید توسط رژیم، برای اولین بار در تاریخ معاصر این کشور خواستار اصلاحات سیاسی و اقتصادی حقیقی شدند. بدین ترتیب، این نارضایتی‌ها نه تنها در میان اقشار آسیب‌پذیر جامعه بلکه حتی میان اقشار طبقه متوسط نیز سرعت بیشتری گرفت (یان<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۳: ص ۴۴۴). با آغاز اعتراض‌ها در ماه مارس ۲۰۱۱ در سوریه، بیشتر بازیگران منطقه‌ای و بیرون منطقه با در نظر گرفتن منافع خود، در تحولات این کشور دخالت نمودند. در این میان عربستان سعودی به صورت رسمی در سال ۲۰۱۲ در تحولات داخلی سوریه وارد شد. در میان کشورهای منطقه، عربستان سعودی با توجه به رویکرد سیاست خارجی خود که بخشی از آن را مهار و سد نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌باشد، نقش آشکاری در تحولات سوریه داشته است و کارهای زیادی، مانند حمایت مالی و معنوی از جنگجویان القاعده تا شرکت فعال در محور غربی-عربی در جهت همراه کردن بازیگران دیگر برای حمایت از مخالفان اسد و در آخر تلاش فراوان برای حمله نظامی به این کشور بوده است.

نقطه شروع ورود عربستان به بحران سوریه بیانیه ملک عبدالله در تاریخ ۷ اوت ۲۰۱۲ می‌باشد. در این بیانیه که خطاب به بشار اسد بود، از او درخواست می‌کند که در تصمیم‌گیری عقلانیت داشته، به کشتار مردم سوریه پایان داده شود. این بیانیه که در آن مواردی در باب اصلاحات نیز به سوریه پیشنهاد داده عربستان را به‌عنوان اولین کشور عربی قرارداد که به‌روشنی منتقد رژیم اسد می‌شود (ناکامورا<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۳: ص ۹).

دولت قطر اولین اقدام رسمی و دیپلماتیک را با بستن سفارت خود در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۱ انجام می‌دهد، اما اثر بیانیه ملک عبدالله بیشتر از این عمل دیپلماتیک بود؛ بعدازآن، مفتی‌های مذهبی عربستانی نیز شروع به انتقاد از بشار اسد نمودند و در نماز جمعه ۶ مه ۲۰۱۱ که به امامت «محمد العریفی» که یکی از معروف‌ترین مولوی‌های مذهبی اهل سنت، برگزار شد، او بشار اسد را دیکتاتوری



## جایگاه جنگ‌های نیابتی در رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران.../نصیری، حاجی مینه و شفیعی

خواند که مردم سوریه را سرکوب می‌کند. با توجه به معروف بودن محمدالعرفی در عربستان و اعتبار فراوانی که در میان گروه‌های مختلف کشورهای خاورمیانه عربی دارد، این مطلب می‌توانست شروعی به تحریک کردن گروه‌های تندرو برای ورود به سوریه و مبارزه با حکومت اسد باشد.

از طرفی این خط به شروع فتواهای بعدی بود که برخی از مفتی‌های مذهبی عربستان فتوای جهاد در سوریه سر دهند، اما آنچه برای عربستان اهمیت داشت انحراف افکار عمومی داخلی نسبت به تغییرات در منطقه بود؛ تجربه‌ای که قبل از این در مورد فلسطین از آن بهره برد؛ بنابراین عربستان دوباره از این فرصت استفاده کرد تا بتواند به‌وسیله سوریه خود را حمایت‌کننده مردم سوریه معرفی کند و به این صورت اندیشه مردم عربستان را از مسائل داخلی عربستان به‌طرف مسائل خارجی منحرف کند. ناکامورا، ۲۰۱۳: ص ۱۲.

عربستان برای وارد کردن فشار بیشتر به حکومت اسد در تاریخ ۶ اوت ۲۰۱۱ بیانیه‌ای را در شورای همکاری خلیج فارس به تصویب رساند که از بشار اسد خواسته بود تا به کشتار مردم بی‌گناه سوریه پایان بخشد (العربیة، ۲۰۱۱، ص ۱۲).

این بیانیه، از جهت روانی تأثیر فراوانی گذاشت و یک روز بعد از آن شیخ‌الزهر احمدطیب، خواستار اتمام تراژدی روی داده در سوریه به‌وسیله بشار اسد می‌شود؛ بنابراین همه این دلایل باعث شد که تا در راهپیمایی‌ها مخالفان بشار اسد در تاریخ ۹ اوت در حمص سوریه، مردم این کشور با تکان دادن پرچم عربستان با صدای بلند نام ملک‌عبدالله را صدا بزنند. این سیاست عربستان در واقع نوعی سیاست جدیدی بود؛ زیرا این کشور در زمان‌های قبل مفهوم سیاست خارجی خود را در برابر کشورهای منطقه محتاطانه‌تر قرار داده بود اما این کار سیاست عربستان را از حالت قبل خارج کرد.

عربستان برای ضعیف کردن یکی از رقیب‌های اصلی خود یعنی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، وارد یک جنگ تمام‌عیار نیابتی در سوریه شد به‌صورتی که با حمایت عربستان و کشورهای دیگر عرب منطقه و ورود جنگجویان افراطی القاعده و مسلح شدن گروه‌های تندروی داخلی سوریه از بهار سال ۲۰۱۲ شاهد جنگ فرقه‌ای-مذهبی میان مخالفان داخلی و خارجی با رژیم اسد بودیم (ناکامورا، ۲۰۱۳: ص ۱۲).

یکی از دلایل عربستان برای ورود کردن در بحران سوریه و تقویت جناح مخالفان بشار اسد، مطرح کردن الگوی نظم جانشین در منطقه با اندیشه وهابی-سلفی و تندروی است. مسئله‌ای که نشان از مقابله مذهبی اقلیت علوی حاکم در مقابل اکثریت سنی بود. در سال‌های اخیر، سلفی‌ها حامل گفتمان اسلام تندرو و افراطی هستند که البته نسبت به القاعده با تسامح بیشتر بودند. در حقیقت عربستان

### فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۵، پائیز ۱۴۰۳

واجد این گفتمان، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد تنش و اختلاف مذهبی باشد. عربستان می‌کوشد تا با نشان دادن تضاد و اختلاف شیعه و سنی و حمایت از اکثریت سنی ضمن مهار مخالفان داخلی و حفظ همبستگی میان آن‌ها، حمایت خود را از مخالفان حکومت بشار اسد نشان دهد (کرمی، ۱۳۹۲) <sup>۱۳</sup>

#### راهبرد اساسی عربستان سعودی در برابر جمهوری اسلامی ایران

##### محدود کردن حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران

حملات آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ نتایجی داشت که یکی از آن‌ها سقوط صدام، و دیگری افزایش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بود که با ناراحتی عربستان همراه گردید. گریگوری گاس سوم <sup>۱۴</sup> کارشناس امور عربستان بیان می‌کند بهترین راه برای فهم سیاست منطقه خاورمیانه، درک جنگ سرد جدیدی بین ایران و عربستان است که هر دو درصدد هستند به‌عنوان قدرت برتر، نقش داشته باشند؛ به‌صورتی که دو کشور با هم تقابلی نظامی ندارند، اما بر سر نفوذ در ساختار سیاسی دولت‌های ضعیف با هم در اختلاف هستند. اگرچه شدت گرفتن این جنگ سرد با وقوع قیام‌های بهار عربی ۲۰۱۱ همراه است، اما نفوذ جمهوری اسلامی ایران به‌پیش از این حادثه برمی‌گردد. جمهوری اسلامی ایران که حزب‌الله لبنان را به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر غیردولتی منطقه به دنبال داشت، با حکومت اسد نیز بر اساس تهدیدهای مشترک، یعنی وجود رژیم صهیونیستی و صدام حسین متحد شده بود. حمله آمریکا به افغانستان و عراق فرصت‌های تازه‌ای را به جمهوری اسلامی ایران داد و عربستان به تدریج به این سمت رفت که هیچ دولت عربی نمی‌تواند یا مایل نیست که نفوذ جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه را کنترل کند و خود این مسئله را به عهده گرفت.

پس از انقلاب‌های بهار عربی، اشتباه عربستان در سوریه و عراق این بود که راه را برای گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران باز کرد؛ در عراق اکثریت شیعیان متحد طبیعی ایران بودند، اما عربستان نمی‌توانست متحدان طبیعی خود را سازمان‌دهی کند و بنابراین به سمت شورش‌هایی رفتند که یک جریان تندروی سلفی از جمله داعش، سعی داشت پادشاهی عربستان را متزلزل کند. (گاس، ۲۰۱۴: ص ۱۴-۱۲)

##### افزایش توانمندی‌ها و قدرت تهاجمی عربستان سعودی

عربستان سعودی در سه حوزه قدرت اقتصادی، قدرت و تجهیزات نظامی و توانایی ائتلاف‌سازی، توانایی‌های خود را برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران مناسب می‌دید.

کشورهای عرب منطقه خاورمیانه، اقدام‌هایی مانند «افزایش قدرت نظامی»، «دنبال کردن برنامه

## جایگاه جنگ‌های نیابتی در رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران.../نصیری، حاجی مینه و شفیعی

هسته‌ای»، «عزام نیرو و مستشاران نظامی و ارسال تسلیحات به کشورهایمانند سوریه و عراق و یمن»، «حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی مانند حزب‌الله لبنان» از طرف جمهوری اسلامی را دلایلی بر توسعه‌طلبی ایران می‌دانستند که این عوامل را با فویا<sup>۱۵</sup> یا «ایران هراسی» دامن زده‌شده از سوی برخی کشورهای منطقه (مانند طرح هلال شیعی پادشاه اردن) و کشورهای برون منطقه‌ای پیوند داده و معمای امنیتی را به نفع توسعه‌طلبی جمهوری اسلامی ایران تغییر می‌داد (رضایی، ۱۳۹۴: ۳).

راهبرد کلی عربستان در مقابل منطقه به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از تبدیل شدن نظم چندقطبی منطقه به نظم تک‌قطبی با اساس جمهوری اسلامی ایران، از راه استراتژی ایجاد توازن و تعادل است. به نظر می‌رسد عربستان این راهبردا اساسی خود را در قالب سه راهبرداصلی دنبال می‌کند:

### **استفاده از قدرت نظامی و استمرار جنگ نیابتی**

ایران و عربستان در بحرین، یمن، عراق، سوریه و لبنان یک نوع جنگ نیابتی را پیگیری کرده‌اند. احتمال پیروزی عربستان در مناطق بالا به‌ویژه در عراق و سوریه پایین می‌باشد، اما همیشه به دنبال حمایت از گروه‌های مخالف در عراق و سوریه و شکست و ضربه زدن به حزب‌الله در لبنان باهدف فرسایش و ضعیف کردن قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه بوده است. این مسئله به‌عنوان راهکار طولانی عربستان انتخاب شده است عربستان همیشه سعی می‌کرد در این کشورها، از طریق حمایت از گروه‌های مخالف آن‌ها، بتوانند خسارات مالی و نظامی به ایران وارد سازند.

### **اتحاد در سطح منطقه‌ای و خارج از آن**

یکی از کارهایی که عربستان در برابر افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه در پیش گرفت، این بود که با کشورهای منطقه و قدرت‌های خارج از منطقه متحد شد و راه ائتلاف را در پیش گرفت. در قسمت منطقه‌ای، سعی کرده تا همکاری همه‌جانبه میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس علیه جمهوری اسلامی ایران را تقویت نماید، از طرف دیگر عربستان تلاش کرد تا یک نیروی جایگزین را به‌جای عراق کنار رفته در توازن منطقه‌ای جدید وارد نماید. در این راستا، اولویت اول با ترکیه و اولویت دوم با رژیم صهیونیستی است. در قسمت بیرون منطقه‌ای نیز استفاده از توان و قدرت بالای بازیگری و مانور یک قدرت بزرگ (آمریکای دوران ترامپ) برای مهار نفوذ جمهوری اسلامی ایران مورد توجه سعودی‌ها بود.

### **افزایش قدرت نظامی و اقتصادی**

سعودی‌ها با استفاده از این شیوه، به دنبال تحقق امنیت داخلی و ایجاد موازنه در سطح منطقه‌ای

## فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۵، پائیز ۱۴۰۳

بوده‌اند. این رویکرد نیز با اقداماتی مانند اصلاحات اقتصادی مانند ارائه سند چشم‌انداز ۲۰۳۰<sup>۱۶</sup> و خرید پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی دنبال می‌شود (پیرلو-فریمن<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۶: ص ۳-۵).

### **گروه‌های نیابتی عربستان در سوریه**

حرکت هماهنگ منطقه‌ای عربستان، امارات عربی متحده، ترکیه و مصر برای مقابله با ایران در قالب «هلال شیعی» ترسیم شده بود. توازن قدرت در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۶ با نشانه‌هایی از تنش مواجه بوده است. در این زمان شرایط مناسبی برای ظهور گروه‌های تکفیری در منطقه مهیا شد. این گروه‌های افراطی به همراه دیگر بازیگران تأثیرگذار در سیاست و امنیت منطقه‌ای، شکل خاصی از توزیع نامتوازن قدرت را ایجاد کردند. البته تاکنون بازیگران اصلی در سطح منطقه تمایل چندانی برای رویارویی ساختاری و مستقیم نداشته‌اند، بنابراین در این مقطع زمانی بود که مؤلفه‌های «جنگ نیابتی» و همچنین «جنگ نامتوازن کم شدت» در نظام بین‌الملل (منطقه) شکل گرفت (ریدل<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۵: ص ۴). عربستان توانست نوع دیگری از اسلام‌گرایی را در برابر جمهوری اسلامی به نمایش بگذارد اسلام‌گرایی با رویکرد وهابی-سلفی، زیربنای افکار راهبردی عربستان برای مقابله با نقش ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه بود. هم‌اکنون، آمریکا و عربستان در برابر دشمن مشترکی به نام جمهوری اسلامی که نماینده حمایت از گروه‌های انقلابی و اسلام سیاسی (شیعه) در خاورمیانه است. ایفای نقش می‌کنند. عربستان و آمریکا با داشتن نگاه یکسان در برخورد با اندیشه ایدئولوژیک و هویتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، به ائتلاف راهبردی علیه ایران دست یافته‌اند (ریدل، ۲۰۱۵: ص ۲). حمایت گروه‌هایی مانند «النصره» و «داعش» از نمونه‌های تقابل ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک عربستان با جمهوری اسلامی است. علاوه بر آن، مجموعه زیادی از نیروهای تکفیری-تندرو هستند که کارهای خود را در مقابله با ایدئولوژی راهبردی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه تعریف کرده‌اند. راهکارهای مورد استفاده آنان را می‌توان در قالب نشانه‌هایی از جدال راهبردی ایدئولوژیک در بحرین، مبارزه سخت با حکومت بشار اسد، بی‌ثبات کردن ساختار سیاسی لبنان از طریق عملیاتی مانند ترور و اقدامات انتحاری می‌باشد (پولاک<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۵: ص ۵).

عربستان از میان گروه‌های مخالف بشار اسد، بیشتر بر روی گروه تندرو و سلفی وابسته به القاعده تأکید داشت و حمایت‌های خود به صورت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری را از این‌ها نمود. (آنه و مورتادا<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۳: ص ۵). همچنین این گروه تندرو بنیادگرا با اسلام سیاسی (شیعه) دشمنی آشکار و ناسازگاری روشنی دارد، می‌توان پی برد که حمایت‌های بی‌دریغ عربستان از این تندروهای سلفی برای مقابله با افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه بوده است.

## جایگاه جنگ‌های نیابتی در رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران.../نصیری، حاجی مینه و شفیعی

استفاده از گروه داعش برای جنگ در سوریه، ظهور داعش برای عربستان و متحدان آن در منطقه به‌عنوان فرصت جدیدی برای تغییر شرایط و توازن در عراق به نفع خود می‌دیدند. در واقع، بعد از سقوط رژیم صدام در عراق و قدرت گرفتن شیعیان در این کشور، عربستان که خود را بازنده بازی توازن قدرت در عراق می‌دید، به اختلاف‌های مذهبی در این کشور کمک می‌کرد. از این‌رو، عربستان به همراه متحدان خود کوشش کرد تا با افزایش سهم سنی‌ها در ساختار حکومت، از گسترش قدرت و نفوذ شیعیان ممانعت کند. در این راستا، سیاستی را در پیش گرفت که حاصلش، بی‌ثباتی و ناامنی بیشتر در عراق بود. ورود بخشی از گروه‌های سنی از کشورهای دیگر و همچنین حمایت مالی-تجهیزاتی از سنی‌های عراق، بخشی از کارهای عربستان و هم‌پیمانانش بود که مشکلات روبروی دولت عراق را دو برابر کرد. (غیبیدوکوردزمن<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۵: ص ۱۱).

اندیشه وهابی عربستان زیربنای پایه‌های ایدئولوژیک و هویتی برای توسعه بحران‌های امنیتی و افراطی شدن تحول سیاسی در خاورمیانه است. در شرایطی، که بحران در سوریه توسط عربستان اداره می‌شد و شاید می‌توان سوریه را خط مقدم این مقابله ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران و عربستان دانست. فعالیت القاعده در سوریه به‌صورت گسترده انجام می‌شد و وجود گروه‌های وهابی سلفی در سوریه، بحران و جنگ را شدید کرد.

تقابل اصلی عربستان در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران را باید در مناطقی مانند سوریه، لبنان، عراق، بحرین و یمن دید. گروه‌هایی که القاعده را تشکیل می‌دادند، تلاش کردند تا روند «جنگ کم‌شدت» علیه ایران را سازمان‌دهی کنند. جنگ کم‌شدت نمودی از راهبرد امنیتی عربستان علیه جمهوری اسلامی است که مبتنی بر پیوند ویژگی‌های هویتی، ایدئولوژیک و راهبردی می‌باشد.

یکی از کارهای عربستان سعودی برای اینکه انقلاب‌های عربی را از شبه‌جزیره عربستان دور کند، ایجاد جنگ انحرافی<sup>۲۲</sup> (فراول<sup>۲۳</sup>، ۲۰۱۰: ص ۱۱) بود. گسترش تنش‌ها و اختلاف‌های مذهبی میان شیعه و سنی و مسلح کردن تعدادی داوطلب تندرو و فرستادن آن‌ها به داخل عراق و سوریه برای سرنگون کردن رژیم‌های این دو کشور، بخشی از این برنامه بود. عربستان سعودی و کشورهای قطر، ترکیه و امارات عربی متحده با حمایت‌های مالی و لجستیکی از گروه‌های وهابی-سلفی مانند داعش، جبهه النصره، احرار الشام و مانند آن قصد داشتند تا با مشغول کردن شهروندان خود به اختلاف شیعه-سنی، امواج انقلاب‌های بهار عربی را از خود دور کنند و از طرف دیگر، با ایجاد ناامنی در لبنان، سوریه و عراق دوستان جمهوری اسلامی ایران را ضعیف نمایند و توازن قدرت را به ضرر جمهوری اسلامی ایران و به سود خود تغییر دهد. همچنین تشکیل و تقویت گروه‌های انحرافی و تکفیری، مانند «داعش» و

## فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۵، پائیز ۱۴۰۳

«القاعده» توسط غرب و دولت‌های عربی در منطقه را می‌توان، به‌عنوان نمادی از این جنگ نیابتی دانست (روپوران، ۱۲/۶/۱۳۹۳).

با توجه به حمایت‌های گسترده از تروریست‌های منطقه که امروزه در سوریه و عراق میدان جنگی را آماده دیده بودند، می‌توان گفت که گروه‌های یادشده را باید به‌عنوان نیروی سیاسی جدیدی دانست که تلاش کردند تا در معادله و توازن قدرت منطقه با توجه به حمایت‌های که از آن‌ها می‌شود اثر لازم را به‌جای گذارد. چنین نیروهای را باید انعکاس نقش‌آفرینی عربستان به‌عنوان رقیب جمهوری اسلامی ایران که خود را رهبر جهان عرب می‌داند (متقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۷-۳۵).

### **سازوکارهای عربستان سعودی در بحران سوریه**

در ارزیابی سازوکارهای عربستان سعودی در بحران سوریه می‌توان گفت، در موسم بهار عربی، ملک‌عبدالله ندای تغییر در سوریه را به صدا درآورد. وی در بیانیه‌ای غیرقابل‌پیش‌بینی گفت که عربستان نمی‌تواند ادامه کشتار در خیابان‌های سوریه را تحمل کند و این مسئله توسط اسلام چشم‌پوشی نمی‌شود. سعودی‌ها خیلی تمایل داشتند دولت بشار اسد سقوط کند و برای تصمیم خود دلایل ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک زیادی داشتند (نیاکوئی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

عربستان برای رسیدن به اهداف خود در سوریه دست‌به‌کارهای زیادی مانند هرچه فعال کردن شورای همکاری خلیج‌فارس و اتحادیه عرب زد تا بتواند فشار لازم را به حکومت بشار اسد وارد کنند و به دنبال فراهم کردن زمینه برای تجربه‌ای مانند لیبی در سوریه، از طریق کمک مالی، تسلیحاتی و لجستیکی به مخالفان بشار اسد در داخل و خارج، همکاری با کشورهای مثل قطر، ترکیه و رژیم صهیونیستی، تلاش برای تقویت جریان سلفی-وهابی در سوریه و فعال کردن رسانه‌های جمعی خود مانند شبکه العربیه و نشریاتی مانند الشرق‌الاوسط و الحیاء می‌باشد (گرومیت<sup>۲۴</sup>، ۲۰۱۵: ص ۱۲۹-۱۲۸).

عربستان سعودی برای رسیدن به هدف‌های خود در سوریه از قدرت سخت و نرم خود استفاده کردند آن‌ها از گروه‌های سلفی مسلح و وابسته به القاعده پشتیبانی می‌کردند، سعودی‌ها اصلاحات یا انتخابات آزاد در سوریه را تحمل نمی‌کنند؛ چون در کشور عربستان انتخابات آزادی، هرگز انجام نشده است. همچنین آن‌ها می‌خواهند دولتی در سوریه سرکار بیاید که هم بتواند منافع آن‌ها در منطقه را تأمین کند و هم نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه را کاهش دهد. عربستان برای رسیدن به هدف خود از راه‌های مختلفی استفاده می‌کرد. از جمله روش‌های عربستان برای دخالت در سوریه، می‌توان به حمایت‌های مالی و لجستیکی از مخالفان بشار اسد، همچنین تشدید تنش‌های قومی و مذهبی در

## جایگاه جنگ‌های نیابتی در رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران.../نصیری، حاجی مینه و شفيعی

سوریه، به کارگیری قدرت نرم‌افزاری و تبلیغی و به راه انداختن جنگ روانی اشاره کرد. پشتیبانی مالی و معنوی عربستان از گروه‌های مخالف بشار اسد امروزه دیگر امری پذیرفته شده است.

سعودی‌ها نمی‌خواستند تحولات بحران سوریه به سمت رویارویی مستقیم نظامی و نوعی از جنگ داخلی و حتی منطقه‌ای ببرند تا بتوانند انقلاب‌های ناشی از بهار عربی را با گروهی از چالش‌ها و موانع روبرو کنند و یک الگویی جدید از تحولات و بحران‌ها را ایجاد کرده، جنبش‌ها و خواسته‌های مردمی در منطقه را به اولویت‌ها و مسائل با اهمیت در سطوح پایین‌تر تبدیل نمایند.

پشتیبانی مالی و تخصیص بودجه لازم برای تهیه اسلحه و فرستادن به داخل سوریه و ارائه راهکار عملی به افرادی منتخب در میان تظاهرکنندگان و پیوند آن‌ها با رسانه‌های بین‌المللی و ایجاد فشار رسانه‌ای از طریق رسانه‌های تحت حمایت آن کشور بود. این کشور، علاوه بر حمایت مالی فراوان از مخالفان، با نقش مهمی که در اتحادیه عرب دارد سبب معلق شدن سوریه در اتحادیه عرب گردید. همچنین علاوه بر پشتیبانی از گروه‌های سلفی جدید، حمایت رسانه‌ای خود از مخالفان با رسانه‌هایی همچون شبکه تلویزیونی "العربیه" و "روزنامه‌های" الحیات" و "الشرق الاوسط" نیز از دیگر کارهای عربستان بوده است. عربستان سعودی همواره از گروه‌های سلفی-وهابی تندرو در منطقه پشتیبانی فکری و مالی کرده است. عربستان سعودی از سال‌های ۱۹۸۲ به بعد، به حمایت از سنی‌های سوری پرداخت و آن را در حال حاضر به حداکثر رسانده است. در همین راستا، گزارش‌های کنونی نشان‌دهنده نقش عربستان سعودی و پشتیبانی مالی از مخالفان حکومت بشار اسد به‌خصوص از گروه‌های سلفی جدید همانند جبهه النصره و جبهه اسلامی است (جعفری‌ولدانی و نجات، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

### **نقش و رویکرد جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه**

بدون شک یکی از بازیگران مؤثر در بحران سوریه و مهم‌ترین حامی منطقه‌ای حکومت بشار اسد، جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. به‌روشنی باید گفت تاکنون حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از بشار اسد باعث شده است که دولت سوریه بتواند در برابر فشارهای حداکثری کشورهای غربی و عربی و همچنین ترکیه ایستادگی کند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از کشورهای مهم در منطقه کوشش می‌کند بازیگران دیگر را مجبور کند تا این کشور را به‌عنوان یکی از اجزای مؤثر در آینده سوریه به رسمیت شناخته و این چیزی است که آمریکا و رژیم صهیونیستی آن را نمی‌پذیرند. (ذوقی بارانی و قادری کنگاوری، همان، ۲۰۸) آمریکا کوشش می‌کند با کم‌رنگ کردن نقش ایران در منطقه به انزوای بیشتر جمهوری اسلامی ایران کمک کند و اعتقاد دارد که جامعه جهانی بدون جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند نتایج بهتری را در سوریه به دست آورد.

## فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۵، پائیز ۱۴۰۳

لازم است در اینجا به صحبت، «گری سیک»<sup>۲۵</sup> دیپلمات سابق آمریکا، در مورد اهمیت نقش جمهوری اسلامی ایران در حل بحران سوریه در یادداشتی با عنوان «صلح خاورمیانه با گفتگو با جمهوری اسلامی ایران آغاز می‌شود» اشاره کنیم: جمهوری اسلامی ایران به دنبال نظم دادن به راهی برای خروج از بحران سوریه است؛ اما عربستان سعودی و قطر سلاح و دلار در اختیار مخالفان رژیم اسد قرار داده و تنها هدف آن‌ها شکستن اتحاد استراتژیک تهران-دمشق می‌باشد. (نجات و ولدانی، ۱۳۹۲: ۳۹)

جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه دارای نقش گسترده‌ای می‌باشد، مقام‌های ایران بر این تصور هستند که علاوه بر سوریه، ایران نیز هدف بعدی است. علاوه بر آن سقوط بشار اسد و رژیم وی یک شکست راهبردی برای تهران می‌باشد این مسئله خود باعث کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌شود. سوریه علاوه بر اهمیت راهبردی به دلیل موقعیت در جبهه مقاومت و پیوند و دوستی با جمهوری اسلامی ایران در موازنه منطقه‌ای، اهمیت زیادی دارد. بارها مقام‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران، سوریه را به عنوان عمق راهبردی خود تعریف کرده و حفظ وضعیت موجود در سوریه و یا پایان دادن به بحران آن با حفظ رژیم بشار اسد، برای جمهوری اسلامی ایران مهم است.

با توجه به دلایل فوق، جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه، به طور قاطع از اسد حمایت کرده است. باید در نظر داشت که چشم‌انداز حذف اسد برای جمهوری اسلامی ایران نگران‌کننده است و سقوط رژیم اسد، منزوی شدن بیشتر جمهوری اسلامی ایران در منطقه را به دنبال خواهد داشت، زیرا حکومت جدیدی که پس از اسد در سوریه بر سر کار آید، کمتر از این رژیم تمایل به همکاری با جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. (نجات و ولدانی، ۱۳۹۲: ۴۰)

### **اهمیت سوریه برای جمهوری اسلامی ایران از جهت ژئوپلیتیک**

سوریه برای سال‌های زیادی نقش آستانه ورود جمهوری اسلامی ایران به دنیای عرب و دسترسی راهبردی به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک، را بازی می‌کرد. سوریه همیشه مسیری برای دستیابی به دریای مدیترانه (اسرائیل) مورد توجه جمهوری اسلامی ایران بوده است که حفظ ارتباط با دولت اسد در سوریه، و بهبود روابط با آن را موجه می‌نماید. بحران در سوریه بر جغرافیای منطقه بر سطح بازیگری و نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه مؤثر بوده است. همسایگی سوریه با کشورهای عراق، لبنان، ترکیه و رژیم صهیونیستی به عنوان اجزای مهم ژئوپلیتیکی منطقه باعث اهمیت آن شده است. این کشور می‌تواند مسیر بسیار مهمی برای صادرات نفت و گاز ایران به اروپا از راه بنادر خود در دریای مدیترانه باشد و بتواند به مرزهای رژیم صهیونیستی نزدیک باشد.



## جایگاه جنگ‌های نیابتی در رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران.../نصیری، حاجی مینه و شفیع

حکومت سوریه در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب سال ۱۳۵۷، مهم‌ترین متحد راهبردی و استراتژیک با جمهوری اسلامی ایران بوده است. رژیم سوریه در جنگ عراق علیه ایران، از آن پشتیبانی کرد. جایگاه سوریه چه از جهت ژئوپلیتیکی و چه از جهت نوع رژیمی که در آن بر سر کار است، از یک طرف و همچنین قرار داشتن سوریه در جبهه‌ی مقاومت و در کنار جمهوری اسلامی ایران از طرف دیگر، از جهت سیاست‌های راهبردی و کلان منطقه‌ای ایران اهمیت بالایی دارد (ذوقی‌بارانی و قادری کنگاوری، ۲۰۱۰، ۱۳۹۰).

روابط این دو کشور آن قدر اهمیت داشته که رهبر انقلاب در ملاقاتی که با بشار اسد در سال ۱۳۸۵ داشتند ایران و سوریه را "عمق استراتژیک یکدیگر" تعریف کرد و تأکید فرمودند: که "این روابط از دیرینه‌ترین و متمایزترین روابط کشورهای منطقه است" (بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با بشار اسد در مورخه ۳۰ بهمن ۱۳۸۵).

جمهوری اسلامی ایران با ادامه حمایت خود از دولت اسد، چند هدف حیاتی دیگر مانند جلوگیری از وقوع حوادث مشابه در غرب آسیا با هدف جلوگیری از افزایش قدرت و نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه، حفظ ائتلاف شیعه و حفظ توازن ژئوپلیتیکی منطقه را نیز پیگیری می‌کند. از این دیدگاه با سقوط بشار اسد، حکومت آینده جایگزین و منتخب مردم سوریه در این کشور با جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی مشترک، همکاری نخواهد کرد (باراتل و گرای<sup>۲۶</sup>، ۲۰۱۲: ص ۱۴۲).

در مجموع می‌توان گفت که تغییر حکومت در سوریه باعث زیان راهبردی مهمی برای ایران و کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه شرق مدیترانه، لبنان و فلسطین و حتی عراق می‌شود. سقوط بشار اسد، نه تنها می‌تواند نفوذ جمهوری اسلامی ایران در جهان عرب را تحت تأثیر قرار داده و کاهش دهد، بلکه می‌تواند حمایت نظامی این کشور از حزب‌الله را نیز کم کند. همچنین باعث تغییر توازن قوای منطقه‌ای به نفع رقیبان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران مانند عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی و ترکیه می‌شود.

### **بازیگران و گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه سوریه**

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای بحران با همراهی حزب‌الله لبنان از دولت اسد دفاع می‌کرد. شهید مقاومت سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب‌الله در می ۲۰۱۱، پیش از تبدیل شدن اعتراض‌های سوریه به یک نبرد داخلی مسلحانه، اعلام کرد که سازمانش از بشار اسد در سوریه پشتیبانی می‌کند (آنه و مورتادا، ۲۰۱۳: ص ۵).

### فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۵، پائیز ۱۴۰۳

باید در نظر داشت تا اواخر ۲۰۱۱، حمایت‌های حزب‌الله لبنان از بشار اسد جنبه سیاسی و مشورتی داشت. رسانه‌های مستقل در پاییز ۲۰۱۱، این گزارش را مطرح کردند که افراد حزب‌الله در شهرهای حمص و دمشق درگیری مسلحانه با ارتش آزاد داشته‌اند (ایان و روبرت<sup>۲۷</sup>، ۲۰۱۴). در تابستان ۲۰۱۱، به‌رغم تکذیب حزب‌الله رسانه‌های غربی و عربی ادعای حضور سربازان حزب‌الله در نبردهای حمص داشتند. از اوایل ۲۰۱۳ پشتیبانی حزب‌الله لبنان از بشار اسد زیاد شد و از حمایت‌های سیاسی به حضور مستقیم و عریان نظامی در کنار ارتش اسد منجر شد.

جمهوری اسلامی ایران همچنین در اتحاد با شیعیان عراق، از تشکیل و تجهیز گروه‌هایی با عنوان مدافعان حرم، در ابتدا با عنوان دفاع از زینبیه دمشق خبر داده است. مدافعان حرم متشکل از نیروهای داوطلب بودند که از میان شیعیان عراق، یمن، ایران، افغانستان (فاطمیون)، پاکستان (زینبیون) و لبنان تحت عنوان کتابت السیدالشهداء و تیپ محبان ابوالفضل‌العباس در دمشق سازمان‌دهی شده‌اند. هدف آن‌ها دفاع از اماکن مذهبی شیعیان و به‌ویژه منطقه زینبیه دمشق بود که بیشتر مقام‌های بلندمرتبه حزب بعث حکومت اسد نیز در آنجا ساکن بودند (هاس لوهنر<sup>۲۸</sup>، ۲۰۱۳).

در خصوص روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه همچنین باید به نقش لجستیکی و مهم سوریه برای حزب‌الله لبنان و حماس که از متحدان سیاسی جمهوری اسلامی ایران هستند نیز توجه داشت. حزب‌الله لبنان همیشه سلاح استراتژیک جمهوری اسلامی ایران بوده است، با توجه به اینکه سوریه مهم‌ترین مسیر ارتباطی میان جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله برای ارسال تجهیزات و سلاح است و تغییر رژیم در سوریه به معنای قطع این مسیر ارتباطی است، بنابراین اهمیت بقای بشار اسد برای حفظ هر چه بهتر این ارتباط از اهمیت دوچندان برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. بعضی از تحلیل‌گران اعتقاد دارند، از آنجایی که سوریه در طول سال‌های قبل، "پل ارتباطی" جمهوری اسلامی ایران با حزب‌الله لبنان و جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی فلسطین بوده، دمشق برای رهبران تهران اهمیت زیادی یافته است. بلندی‌های گلان در مرز سوریه که از سال ۱۹۶۷ میلادی در اختیار رژیم صهیونیستی قرار دارد و همین مسئله باعث شده که جمهوری اسلامی ایران، سوریه را قسمتی از "جبهه مقاومت" در برابر رژیم صهیونیستی به شمار آورده و همکاری‌های خود را با آن را افزایش دهد تا در مواقع لازم بتواند از طریق سوریه به رژیم صهیونیستی ضربه بزند.

در قدم اول شهید قاسم سلیمانی با ادغام چندین گروه شبه‌نظامی عراقی دو یگان به‌نام ابوالفضل العباس (علیه‌السلام) و حرکه‌النُجبا را در سوریه سازمان‌دهی کرد. این دو گروه در ابتدا برای حمایت از حرم حضرت زینب (علیها‌السلام) در حومه دمشق مستقر شدند؛ اما هدف اصلی آن‌ها جنگ در کنار شبه‌نظامیان

## جایگاه جنگ‌های نیابتی در رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران.../نصیری، حاجی مینه و شفیع

حزب‌الله لبنان بود. تعداد شبه‌نظامیان این دو گروه بیشتر از ۱۲ هزار نفر برآورد می‌شد که پس از طی دوره‌های آموزشی نظامی در پادگان‌های سپاه قدس در ایران به سوریه می‌آمدند.

آنچه گروه نُجبا را از گروه ابوالفضل‌العباس (علیه‌السلام) و دیگر گروه‌ها متمایز می‌کرد مجهز بودن این گروه به (پهپاد) هواپیماهای بدون سرنشین از نوع یاسر بود، (پهپادی ساخت سپاه پاسداران با اهداف شناسایی و تجسسی). دلیل این تمایز روشن را باید نزدیکی فرمانده جنبش نجبا به شهید قاسم سلیمانی دانست. اکرم‌الکعبی، سال‌ها در کنار مقتدا صدر، روحانی تندروی عراقی فعالیت کرده بود و از فرماندهان اصلی جیش‌المهدی در جریان جنگ داخلی عراق به حساب می‌آمد. دوستی او با شهید قاسم سلیمانی، از همان زمان شکل گرفته بود. فرماندهی حرکه‌النُجبا و نیروهای تحت امرش به دلیل طراحی و انجام صدها حمله، علیه نیروهای آمریکایی و بریتانیایی در عراق از سال ۲۰۰۸ در لیست گروه‌های تروریستی وزارت خارجه آمریکا قرار گرفت. با وجود ارتباط عقیدتی شبه‌نظامیان عراقی با جمهوری اسلامی ایران، این گروه‌ها، به جزء عراقی‌ها و لبنانی‌ها شهید قاسم سلیمانی، شیعیانی را از پاکستان و افغانستان سازمان‌دهی کرد تا علاوه بر کمک به تقویت نیروهایش در سوریه، دامنه نفوذ نیروی قدس را از محدوده جهان عرب فراتر ببرد.

اما در بین فرماندهان حشدالشعبی برای شهید قاسم سلیمانی از هادی عامری هم مهم‌تر شخصی بود به نام شهید ابومهدی المهندس کسی که از سال‌ها قبل با انشعاب از سپاه بدر، نیروی نیابتی مهم دیگری را برای سپاه قدس در عراق تشکیل داده بود نیرویی به نام گردان‌های حزب‌الله (کتاب حزب‌الله) این نیرو با الگوبرداری از حزب‌الله لبنان و پشتیبانی گسترده شهید سلیمانی در طی چندین سال به مجهزترین و کارآزموده‌ترین نیروی نیابتی جمهوری اسلامی ایران در عراق تبدیل شده بود. حزب‌الله عراق بعد از سقوط صدام و در پایان سال ۲۰۰۷ با هدف مبارزه با نیروهای آمریکایی و بریتانیایی توسط نیروی قدس تأسیس شده بود و شبه‌نظامیان حزب‌الله به دلیل فیلم‌برداری و نمایش عملیاتشان به شهروندان و نیروهای نظامی آمریکایی شهرت زیادی پیدا کرده بودند.

اما گروه دیگر نیابتی در میان شبه‌نظامیان حشدالشعبی یگانی بود با عنوان عصائب اهل حق به فرماندهی قیس خزعلی، این گروه در سال ۲۰۰۴ با هدف جنگ مخفیانه علیه نیروهای بین‌المللی در عراق تأسیس شد و اولین تشکیلات خود را در بغداد و استان‌های جنوبی عراق، راه‌اندازی کرد. اعضای ارشد عصائب، بخش مهمی از آموزش‌های خود را در پادگان‌های سپاه پاسداران در ایران گذرانده بودند و در طی سال‌ها، مسئولیت ده‌ها عملیات علیه شهروندان غربی و آمریکایی را برعهده گرفته بودند. شبه‌نظامیان عصائب اهل حق به‌عنوان یکی از گروه‌های نیابتی تحت نظر نیروی قدس به حساب می‌آمدند.

## فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۵، پائیز ۱۴۰۳

بعد از عضویت در حشدالشعبی با تصمیم شهید قاسم سلیمانی از اواسط سال ۲۰۱۴ در چندین گردان به سوریه اعزام شدند و در بسیاری از عملیات‌ها به نیروهای نیابتی دیگر کمک کردند. در جدول ۱ نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در سوریه نشان داده شده است.

### جدول ۱- نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در سوریه

گروه‌های نیابتی درگیر در بحران سوریه				
عربستان سعودی جریان سلفی	داعش	جبهه‌النصره	القاعده	احرارالشام
جمهوری اسلامی ایران	حزب‌الله	گروه فاطمیون و	حشدالشعبی گردان‌های حزب‌الله	کتابت السیدالشهداء تیپ محبان
جریان شیعه	لبنان	زینبیون	عراق عصاب اهل حق	ابوالفضل العباس حرکه‌النُجبا

(منبع: نصیری، ۱۴۰۰، یافته‌های تحقیق)

### نتیجه‌گیری

اصطلاح جنگ‌های نیابتی سال‌هاست که در روابط بین‌الملل و نظام بین‌الملل و به‌ویژه در منطقه غرب آسیا به کار می‌رود ولی اصطلاح جنگ‌های نیابتی پس از دیدار رهبر معظم انقلاب با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در روز ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴ با حساسیت بیشتری وارد ادبیات ژئوپلیتیک و سیاسی کشور گردید. مقام معظم رهبری در بازدیدی که از دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام) داشتند، به موضوع کشاندن جنگ نیابتی به مرزهای ایران اشاره کرده و فرمودند: بنده خبرهایی دارم از اینکه دشمنان ما با همراهی برخی از مسئولان سفیه منطقه خلیج فارس درصدد هستند که جنگ‌های نیابتی را به مرزهای ایران بکشانند. (بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار با دانشجویان تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام) در مورخه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴).

مقام معظم رهبری در دیداری که با مسئولان قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله علیه وآله) داشتند سخنانی را عنوان نمودند: از لحاظ محاسبات سیاسی احتمال وقوع جنگ و حمله نظامی وجود ندارد. ایشان در ادامه با آگاهی نسبت به مسائل سیاسی و نظامی، ضمن برآورد عدم وقوع جنگ، فرمودند: "در عین حال (با وجود عدم تحقق جنگ)، نیروهای مسلح باید با هوشیاری و با مدیریت کارآمد و چابک، توانایی‌های انسانی و تجهیزاتی خود را روزبه‌روز ارتقا دهند (بازدارندگی) و بدانند هر گامی که در جهت تقویت آمادگی‌های نیروهای مسلح برداشته شود، یک عبادت و حسنه در نزد پروردگار متعال است" (دیدار مورخه ۱۳۹۷/۶/۱۱ فرمانده کل قوا حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با فرماندهان و مسئولان قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (صلی‌الله علیه و آله) ارتش)

## جایگاه جنگ‌های نیابتی در رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران.../نصیری، حاجی مینه و شفیعی

دو کشور ایران و عربستان به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای هرکدام به دنبال تأمین منافع خود در چارچوب حمایت از متحدان منطقه‌ای خود می‌باشند. عربستان با توجه به افزایش نفوذ جبهه مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران در منطقه که امروزه در سوریه و عراق نقش آفرینی می‌کند به دنبال آن است که از نفوذ بیشتر جمهوری اسلامی ایران در منطقه، جلوگیری نماید به همین منظور ریاض برای جلوگیری از نفوذ ایران با حمایت از مخالفین سوری بشار اسد، به دنبال سقوط رژیم همخوان و همراه با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، در مقابل جمهوری اسلامی ایران کوشش می‌کند از تغییر رژیم سوریه به سود عربستان جلوگیری نماید.

بحران داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ نیز یکی از عواملی بوده است که تنش و بحران در روابط تهران و ریاض را بیش از پیش گسترش داد. حمایت آشکار عربستان از مخالفان رژیم بشار اسد، این کشور را در مقابل جمهوری اسلامی ایران که از حامیان و مدافع دولت اسد بود، قرار می‌داد. بنابراین عربستان به‌طور اخص سوریه را از دید رقابت‌های منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران (مهار الگوی نفوذ معنوی شیعه جمهوری اسلامی ایران) می‌نگرد و در حقیقت برای مهار کردن الگوی نفوذ انقلاب اسلامی در جهان عرب و کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه که زمانی در قالب هلال شیعه مطرح شده بود، در مقابل نظام ایستاد. عربستان محدوده و شدت این تهدید را بعد از بهار عربی بیشتر می‌دید و نزدیکی گروه‌های مقاومت و به‌خصوص سوریه به جمهوری اسلامی ایران را به‌منزله بر هم خوردن توازن قوای منطقه‌ای و به کنار رفتن سیاست‌های عربستان سعودی می‌داند؛ بنابراین عربستان در هماهنگی با رویکرد غربی-عربی کوشش می‌کند تا موقعیت جمهوری اسلامی ایران در سوریه را کاهش دهد. همچنین با فرض روی کار آمدن دولت جدید منتخب مردم در سوریه، تمام برنامه‌های جبهه مقاومت اسلامی در جهت ضربه زدن به رژیم صهیونیستی به حاشیه خواهد رفت.

آینده کشور سوریه و منطقه خاورمیانه نشان خواهد داد که گرچه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در یک جنگ نیابتی و غیرمستقیم درگیر بودند ولی این دو قدرت منطقه‌ای از درگیری مستقیم و رودررو با یکدیگر اجتناب خواهند کرد. نمونه و شاهد بر این مدعا، باینکه ادعاهایی کذب مبنی بر دست داشتن جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های نیابتی‌اش در حمله به تأسیسات نفتی آرامکو وجود داشت ولی سعودی‌ها از عکس‌العمل مستقیم و آنی خودداری کردند. عربستان بارها نشان داد که به دنبال تقابل مستقیم با جمهوری اسلامی نیست و این مسئله را در حمله به تأسیسات آرامکو به اثبات رساند.

**فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۵، پائیز ۱۴۰۳**

نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه سوریه از لحاظ مالی و لجستیکی به‌شدت به منابع مالی جمهوری اسلامی ایران وابسته هستند و در شرایط حاضر که تحریم‌های شدید ایالات متحده آمریکا منابع مالی آن‌ها را به حداقل رسانده، این مسئله بر تأثیرپذیری این گروه‌ها بر حوادث و رویدادهای منطقه داشته است. شهادت شهید قاسم سلیمانی، مهم‌ترین مقوله‌ای است که برای جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است؛ حالا بیشتر از هر چیزی آینده گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی ایران را با چالش مواجه کرده است و اتخاذ سیاست اصولی از سوی مسئولان سیاست خارجی را می‌طلبد. در جدول ۲ رویکردهای نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در سوریه نشان داده شده است.

**جدول ۲ - مقایسه رویکردهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در سوریه**

رویکرد جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در سوریه				
جمهوری اسلامی ایران	حمایت معنوی مقام‌های ایران به-ویژه مقام معظم رهبری در سخنرانی و پیام‌ها	سخنرانی روحانیون و مقام‌های ایرانی در تفهیم مفهوم مدافعان حرم و دفاع از حریم اهل بیت (ع)	-	تقویت اندیشه شیعه‌گری و توسل به ائمه اطهار
عربستان سعودی	بیانیه ملک عبدالله در ۷ اوت ۲۰۱۲ و شورای همکاری خلیج فارس	سخنرانی علمای مذهبی عربستان و بسترسازی مناسب انتقاد از دولت بشار اسد	اقدام رسمی دیپلماتیک و با بستن سفارت و اخراج از اتحادیه عرب	مطرح کردن الگوی نظم جانشین در منطقه با اندیشه سلفی‌گری و اندیشه وهابی
رویکرد جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در سوریه				
جمهوری اسلامی ایران	حضور در عمق استراتژیک سعودی (یمن)	اتحاد با روسیه	حمایت حداکثری از حزب‌الله لبنان شکل‌گیری و تجهیز گروه‌هایی خود با عنوان مدافعان حرم، برای دفاع از زینبیه دمشق	خرید زمین و املاک در سوریه و تلاش برای تغییر بافت جمعیتی در مناطقی از سوریه
عربستان سعودی	محدود کردن حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران	اتحاد منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای با قدرت‌های بزرگ	حمایت از گروه‌هایی مانند داعش و النصره احرار الشام جنگ نامتقارن کم‌شدت	افزایش سهم اعراب سنی در ساختار قدرت، از گسترش نفوذ و قدرت شیعیان جلوگیری کند
رویکرد جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در سوریه				
جمهوری اسلامی ایران	افزایش ورود نیروهای شیعه عراقی به صحنه میدانی سوریه	حمایت از حرکت‌های آزادی‌خواهانه شیعه در عربستان و بحرین	-	تلاش برای خارج کردن قطر و ترکیه از محور عربستان و سنگ‌اندازی در مسیر پیمان صلح ابراهیم بین اعراب و اسرائیل

### جایگاه جنگ‌های نیابتی در رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران.../نصیری، حاجی مینه و شفيعی

عربستان سعودی	ورود بخشی از گروه‌های سنی از کشورهای عربی و همچنین حمایت‌مالي-تسليحاتی از سنی‌های عراق،	راه انداختن جنگ انحرافی. دامن زدن به تنش و اختلاف‌های فرقه‌ای میان شیعه و سنی در عربستان	فعال کردن شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب در جهت وارد کردن فشار به رژیم بشار اسد	همکاری با محور منطقه‌ای قطر، ترکیه و اسرائیل
رویکرد جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در سوریه				
جمهوری اسلامی ایران	حمایت از شبکه‌های داخلی و بین‌المللی عربی و عراقی	تأسیس تلویزیون و رادیوهای محلی و بین‌المللی شیعه در عراق و سوریه	حضور نیروهای سپاه قدس و اطلاعاتی برای ارائه راهکار مقابله با تظاهرات مردمی	ارسال کمک مالی و سلاح برای گروه‌های شبه‌نظامی و بشار اسد " پل ارتباطی " جمهوری اسلامی ایران با حزب الله لبنان و جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی فلسطین
عربستان سعودی	فعال کردن رسانه‌های گروهی خود مانند شبکه العربیه و نشریاتی مانند الشرق الاوسط و الحیاء	تأسیس تلویزیون ایران اینترنشنال با رویکرد مقابله با جمهوری اسلامی ایران	ارائه راهکارهای عملیاتی به افراد برجسته در میان اعتراض‌کنندگان و مرتبط کردن آن‌ها با رسانه‌های بین‌المللی و ایجاد فشار رسانه‌ای	عربستان سعودی و قطر سلاح و پول در اختیار مخالفان سوری قرار دادند و قطع پل ارتباطی ایران و گروه‌های تحت حمایت در لبنان، عراق و فلسطین

(منبع: نصیری، ۱۴۰۰، یافته‌های تحقیق)

## منابع

- (۱) آرون، ریمون، (۱۳۷۰) دانشمند و سیاستمدار ترجمه: احمد نقیب زاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران ص ۳.
- (۲) آجرلو، حسین (۱۳۹۰) بحران سوریه و رقابت‌های منطقه‌ای، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه. بازیابی شده در تاریخ ۹ آذر ۱۳۹۸.
- (۳) جعفری ولدانی، اصغر؛ نجات، سید علی، (۱۳۹۲) «بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه»، پژوهش‌های سیاسی، سال سوم - شماره هشتم، اصفهان، دانشگاه اصفهان، صص ۴۹-۲۹.
- (۴) دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سمت
- (۵) ذوقی بارانی، کاظم و روح‌الله قادری کنگاوری (۱۳۹۰) "تحلیل ژئوپلتیک سوریه: بستری برای تدوین سیاست خارجی ایران در خاورمیانه"، سیاست دفاعی، سال بیستم، شماره ۷۷.
- (۶) رضایی، نیما (۱۳۹۴) «ائتلاف بی‌سابقه علیه یمن؛ چشم‌انداز و آینده» مجله دیپلمات، شماره دوم
- (۷) رویوران، حسین؛ عوامل دخیل در بحران کنونی یمن و توان جنبش انصار الله، تابناک ۱۲/۶/۱۳۹۳،
- (۸) شریفی طراز کوهی، حسین، ۱۳۹۲، سازمان‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات میزان، چاپ سوم ص ۳۴ و ص ۹۵-۱۰۰ و ص ۸۷
- (۹) عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹) نظریه‌های امنیت، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- (۱۰) کرمی، کامران، (۱۳۹۲) عربستان و بحران سوریه در روند رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری «مرکز بین‌المللی مطالعات صلح. به نقل از <http://peace-ipsc.org/fa> مراجعه در: ۳۰/۸/۱۳۹۸
- (۱۱) متقی ابراهیم و همکاران (۱۳۹۳) "نقش بازیگران منطقه‌ای در رادیکالیزه شدن نیروهای اجتماعی خاورمیانه"، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳، صص: ۶۷-۳۵.
- (۱۲) مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۲) کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلتیک خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ص ۱۴۳-۱۴۲.
- (۱۳) مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۵) «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل» تهران: انتشارات سمت.
- (۱۴) مرشایمر، جان (۱۳۹۰) تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه: غلامعلی چگنی‌زاده، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.



## جایگاه جنگ‌های نیابتی در رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران.../نصیری، حاجی مینه و شفیع

۱۵) نجات، سیدعلی و اصغر جعفری ولدانی (۱۳۹۲) بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه «، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی سال سوم، شماره هشتم: صص. ۴۹ - ۲۹

۱۶) نیاکوئی، سید امیر؛ ستوده، علی‌اصغر (۱۳۹۴). تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر مجموعه امنیتی خاورمیانه. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. س ۴. ش ۱۵: ۱۷۷ - ۱۵۳

۱۷) نیاکوئی، سیدامیر؛ بهمنش، (۱۳۹۲) بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها، فصلنامه روابط خارجی، زمستان، سال ۴، شماره ۴ صص. ۱۳۵ - ۹۷

- 18) Al-Arabiya, 2011 <http://www. Al-Arabiya.com> Accessed on 19/11/2018
- 19) Anne & Mourtada, (2013). "Leader of Hezbollah Warns It Is Ready to Come to Syria's Aid," The New York Times, April 30, 2013, <http://www.nytimes.com/2013/05/01/world/middleeast/nasrallah-warns-thathezbollah-is-ready-to-come-to-syrias-aid.html>.
- 20) Alexander, Yonah; Hoeinig Milton. (2008). The New Iranian Leadership: Ahmadinejad, Terrorism, Nuclear Ambition, and The Middle East. US: Praeger Security International
- 21) Bartell, Dawn. L & David. H. Gray. (2012). "Conflict in Syria and the Opportunity to Reduce Iran's Regional Influence and Iran's Threat to the International Community". Norwich University Masters of Diplomacy School of Graduate Studies, 3(4).
- 22) Bar-Siman-Tov, Y. (1984) "The Strategy of War by Proxy." Cooperation and Conflict, 19 (4): 263-273.
- 23) Byman, D. (2005) Deadly Connection, States that Sponsor Terrorism. Cambridge: Cambridge University Press.
- 24) Byman, D. Chalk, P. Hoffman, B. Rosenau, W. & Brannan, D. (2001) Trends in Outside Support for Insurgent Movements. California: Rand Corporation.
- 25) Díaz, Naomí Ramírez. (2012). " The Syrian Revolution: Will the presumed social unity be challenged in the post-Assad period?". BRISMES Graduate Conference 2012: Change and Continuity in the Arab World, PP. 1-27.
- 26) Day of Rage: Planned for Syria. 2011. Protests Scheduled for Feb 4-5
- 27) Fravel, M. Taylor. (2010), "The Limits of Diversion: Rethinking Internal and External Conflict" Security Studies 19.2. (October 7)
- Grumet, Tali Rachel (2015), New Middle East Cold War: Saudi Arabia and Iran's Rivalry, Electronic Theses and Dissertations, Paper 1028.
- 28) Grumet, Tali Rachel (2015), New Middle East Cold War: Saudi Arabia and Iran's Rivalry, Electronic Theses and Dissertations, Paper 1028.

- 29) Gaus, F. Gregory (2014), Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold War Available at: [www.brookings.edu](http://www.brookings.edu).
- 30) Hauslohner, Abigail, (2013). "Iraqi Shiites fight for Syrian government," The WashingtonPost, May 26, 2013, [http://www.washingtonpost.com/world/middle\\_east/iraqi-shiites-fight-for-syrian-government/2013/05/26/6c3c39b4-c245-11e2-914fa7aba60512a7\\_story.html](http://www.washingtonpost.com/world/middle_east/iraqi-shiites-fight-for-syrian-government/2013/05/26/6c3c39b4-c245-11e2-914fa7aba60512a7_story.html);
- 31) Ian Black and Dan Roberts, (2013). "Hezbollah is helping Assad fight Syria uprising, says Hassan Nasrallah," The Guardian (UK), April 30, 2013, <http://www.theguardian.com/world/2013/apr/30/hezbollah-syria-uprising-nasrallah>.
- 32) Mearsheimer, John (2001), The Tragedy of Great Power Politics, New York, W.W. Norton.
- 33) Mearsheimer, John (1990), "Back to the Future: Instability in Europe after the Cold War", International Security,
- 34) Nakamura, Satoru, (2013), "Saudi Arabian Diplomacy During the Syrian Humanitarian Crisis", IDE-JETRO: Institute of Developing Economics. From: [http://www.ide.go.jp/Japanese/Publish/Download/Seisaku/pdf/201307\\_mide\\_13.pdf](http://www.ide.go.jp/Japanese/Publish/Download/Seisaku/pdf/201307_mide_13.pdf), (accessed on December 8, 2017).
- 35) Obaid, Nawaf E. (1999), The Power of Saudi Arabia's Islamic Leaders, Middle East Quarterly, Vol 6: No 3.
- 36) Obaid, Nawaf and Anthony Cordesman (2005), Saudi Militants in Iraq: Assessment and Kingdom's
- 37) Perlo-Freeman, Sam et al (2016), Trends in World Military Expenditure 2015, Stockholm International
- 38) Pollack, Kenneth. (2015). "The Dangers of the Arab Intervention in Yemen", Washington DC: Brookings Institution.
- 39) Riedel, Bruce (2016), Saudi Arabia losing ground to Iran, available online at: <http://www.almonitor.com/pulse/originals/2016/11/saudi-arabia-lose-ground-iran-iraq-lebanon-aoun-irgc.html>.
- 40) Sick, Gary (2015), Saudi Arabia's Widening War, Politico Magazine, available online at: [http://www.politico.com/magazine/story/2015/06/saudi-arabia-is-heading-towards-war118656\\_Page2.html#.WF-Xd1V](http://www.politico.com/magazine/story/2015/06/saudi-arabia-is-heading-towards-war118656_Page2.html#.WF-Xd1V).
- 41) Saudi Arabia's Vision for 2030 (2016), available online at: <http://vision2030.gov.sa/download/file/fid/417>

1. Donners, Hughes and Mumford
2. Byman
3. Proxy War
4. Bar-Siman-Tov, Y
5. world view
6. Mearsheimer
7. (Day of Rage, 2011)
8. Homs
9. Díaz
10. Ian Black
11. Nakamura
12. Al-Arabiya

13. استنادها محتوای کلی اثر است و صفحه خاصی مد نظر نیست

14. F. Gregory Gause III
15. Iran Phobia

16. در اواخر آوریل ۲۰۱۶ شورای وزیران عربستان سعودی استراتژی بلند پروازانه جدیدی را برای این کشور به نام «چشم‌انداز ۲۰۳۰» تصویب کرد

17. Perlo-Freeman
18. Riedel
19. Pollack
20. Anne & Mourtada
21. Obaid and d Cordesman-
22. diversionary war
23. Fravel
24. Grumet
25. Gary Sick
26. Bartell, Dawn. L & David. H. Gray
27. Ian Black and Dan Roberts
28. Hauslohner, Abigail

## **The position of proxy wars in the competitions of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in Syria**

**Receipt: 25/02/2024    Acceptance: 16/09/2024**

**Majid Nasiri<sup>1</sup>  
Rahmat Hajimineh<sup>2</sup>  
Nozar Shafiee<sup>3</sup>**

### **Abstract**

**Purpose:**This article tries to answer the question that what is the position of proxy wars in the regional competition between Iran and Saudi Arabia in Syria?we investigated proxy groups of Iran and Arabia and the views of these two countries on the Syrian crisis. **Method:**The information collection tool is a library and the use of Iranian and foreign websites.the collected materials are analyzed descriptively and compared with each other.This article is study of the behaviors of the proxy forces of the Iran using descriptive-analytical method.**Theoretical framework.**This article examines the competition between Iran and Saudi Arabia with a focus on proxy warfare and with an emphasis on realism theory. **Finding:**Iran and Saudi Arabia have tried to limit each other's sphere of influence since the Syrian crisis,- their competition and disagreement was on the Syrian issue.The hypothesis of the article is that proxy wars between Iran And Saudi Arabia has reduced the direct confrontation between the two actors in Syria. **result**This research,with a realist approach and examining the relations between the two countries, despite the differences between the foreign and regional policies of Saudi Arabia and Iran.Proxy wars have prevented the occurrence of war and direct conflict between them.

### **Key words**

Proxy war, Islamic Republic of Iran, Syria, Saudi Arabia, Regional competition

1-PhD student, International Department, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. majidnasiritehran@gmail.com

2-Assistant Professor, Department of Communication and Social Sciences, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) r.hajimineh@gmail.com

3-Associate Professor, Department of International Relations, Isfahan University, Isfahan, Iran. drshafiee94@yahoo.com